

چرا رژیم عبری به اسم دفاع از خود هر جنایتی را مرتکب می‌شود؟

بربریت Vs تمدن!



محمدعلی زیدانبار

مبنای تقسیم‌بندی این گزارش تحلیلی، سخنرانی‌ای است از منتقد عبری گیدیون لوی که در آن به سه اصل اساسی صهیونیسم برای توجیه خشونت‌های پیش از حدشان اشاره می‌کند: اول قوم‌برگریده، دوم قربانی مطلق در عین اشغالگری

و سوم انسان‌زدایی از دشمنان.

ما قوم برگزیده هستیم، باید زنده بمانیم!

برخی از یهودی‌ها از همان دوران موسی معتقدند و گویا کتاب مقدسشان گواهی می‌دهد که قومی برگزیده و برتر از دیگر مردمان هستند. مفهوم «قوم برگزیده» (בְּרִית) ریشه در متون بنیادین یهودی مانند تورات (سفر تثنیه ۷: ۶) و تفاسیر تلمودی دارد. این ایده در طول تاریخ یهودیت، هویت جمعی را حول محور عهد الهی شکل داده است. با ظهور صهیونیسم، این مفهوم از حیطه دینی به ایدئولوژی سیاسی تبدیل شد. نظریه‌پردازانی چون موشه هس و دیوید بن‌گوریون آن را به «حق تاریخی» برای بازگشت به سرزمین اسرائیل پیوند زدند. این بازتفسیر، پایه‌ای الهیاتی برای ادعای حاکمیت انحصاری بر فلسطین فراهم کرد. پس از تأسیس رژیم اسرائیل در سال ۱۹۴۸، این نگرش با تجربه هولوکاست و درگیری‌های اعراب و اسرائیل ترکیب شد. جامعه‌شناسانی چون باروخ کمرلینگ نشان می‌دهند که گفتمان «برگزیدگی» به «حس محاصره» و ضرورت نظامی‌گری برای تضمین بقا دامن زد. به گفته روانشناس اجتماعی دنیل بارتال، اعتقاد به منحصربودن سرزشت یهود، به ساختار ذهنی جمعی تبدیل شده که هر تهدید را «وجودی» تفسیر می‌کند. این امر طبق پژوهش‌های مؤسسه ون لیر اورشلیم در سال ۲۰۱۸، استفاده از نیروی نظامی را در اذهان عمومی به «دفاع مشروع» تبدیل می‌کند. باور به گزاره «قوم برگزیده» با ایجاد حس حقانیت مطلق در مالکیت سرزمین، طبق مطالعات بارتال، هرگونه مقاومت فلسطینیان – و طبیعتاً هر جنبش مقاومت یا نظام سیاسی دیگری را که سیاست‌های اسرائیل را به چالش بکشد – نه به عنوان کنش سیاسی، بلکه تهدید وجودی علیه «مأموریت الهی» قوم یهود تفسیر می‌کند. جامعه‌شناسان مانند کمرلینگ نشان می‌دهند که این نگرش، خشونت نظامی را به ابزاری برای «حفاظت از تقدس سرزمین» تبدیل کرده است. شلومو زند معتقد است روایت برگزیدگی با نادیده‌گرفتن حقوق بومیان، سرکوب را در قالب «دفاع مشروع» تئوریزه می‌کند. پژوهش‌های مؤسسه ون لیر نیز تأیید می‌کند که این ذهنیت، واکنش‌های نظامی نامتناسب را در افکار عمومی اسرائیل عادی‌سازی می‌کند و پایه معتقد است چنین رویکردی غیریهودیان ساکن در اسرائیل را از حقوق خود محروم می‌کند.

میان چند میلیارد ظالم وحشی، ما مظلومیم!

گفتمان «قربانی بودن مطلق» یهودیان، نقشی کلیدی در توجیه عملیات نظامی اسرائیل ایفا می‌کند. این انگاره ریشه در ترومای جمعی هولوکاست دارد که توسط نهادهای رسمی تقویت شده است. جامعه‌شناسانی چون ایلا زورف نشان می‌دهند که این روایت، سه پیامد نظامی دارد: ۱. معکوس‌سازی واقعیت: طبق تحلیل‌های مؤسسه مطالعات فلسطین، اسرائیل خود را حتی در موقعیت مهاجم، «قربانی تجاوز» معرفی می‌کند تا هر اقدام نظامی را واکنشی ضروری جلوه دهد. ۲. مشروع‌سازی خشونت نامتعارف: شلومو زند تأکید می‌کند که این ذهنیت، اشغال فلسطین را به «دفاع از بقا» تبدیل می‌کند و سرکوب را اخلاقی می‌پندارد. ۳. تخریب گفت‌وگو: روانشناسان سیاسی مانند دنیل بارتال ثابت می‌کنند این نگرش، درک رنج طرف مقابل را



تصویری از شهادت پرنیا عباسی شاعر جوان که در حمله داعشی اسرائیل به «اهداف صرفاً نظامی» به همراه تمام خانواده‌اش به شهادت رسید.

یهودیان گفته می‌شود. شلومو آوینر یک بار در مصاحبه با هآرتس گفت: «فلسطینیان، عمالیک دوران ما هستند و کشتارشان واجب شرعی است». تأثیر این گفتمان در جنگ‌های اسرائیل مستند و عینی است. در جنگ ۲۰۱۴ غزه، سربازان اسرائیل هنگام کشتار ۵۴۶ کودک فلسطینی فریاد می‌زدند: «ما عمالیک را نابود می‌کنیم!» در جنگ ۲۰۲۳ غزه، یواو گالاتت بارها فلسطینیان را «حیوانات انسان‌نما» خواند و تأکید کرد: «ما با انسان‌ها نمی‌جنگیم». باروخ کمرلینگ جامعه‌شناس، انسان‌زدایی را از پایه‌های مهم رفتار نظامی اسرائیل می‌داند. «تبدیل فلسطینی به «دیگری غیرانسان»، سرکوب سیستماتیک را در ذهن اسرائیلی‌ها به «دفاع از خود» تبدیل می‌کند.» این فرایند نه یک پدیده حاشیه‌ای، بلکه ستون فقرات پروژه صهیونیستی است که خشونت‌های گسترده را در ۷۰ سال گذشته ممکن ساخته است.

این دفاع از خود برای جهان چقدر هزینه داشته است؟

بر اساس تجمیع داده‌های نهادهای معتبر بین‌المللی، اسرائیل از ۱۹۴۸ تاکنون با آغاز جنگ‌های متعدد، مسئول کشته شدن دست‌کم ۱۶۰،۰۰۰ غیرنظامی فلسطینی (شامل ۷۱،۰۰۰ کودک و ۵۲،۰۰۰ زن) و ۳۲،۰۰۰ غیرنظامی دیگر (لبنانی، مصری، سوری و ایرانی) بوده است. این آمار از اسناد سازمان ملل، سازمان بهداشت جهانی و پروژه داده‌های دانشگاه هاروارد استخراج شده‌اند. برای نمونه، تنها در جنگ ۲۰۲۵-۲۰۲۳ غزه، ۴۱،۰۰۰ غیرنظامی (۱۷،۰۰۰ کودک) به شهادت رسیدند که ۹۰٪ تلفات مستقیماً ناشی از عملیات نظامی اسرائیل بود. این ارقام، تنها شامل جنگ‌هایی می‌شود که اسرائیل نقش آغازگر را داشته است و مستندات کامل آن در پایگاه‌های رسمی سازمان ملل ثبت شده‌اند، بنا به تحلیل‌های متخصصین آمار واقعی امکان دارد که حتی تا ۲ برابر این آمار رسمی بالاتر برود!

سخن آخر

اسرائیل از بدو تأسیس با بهره‌گیری از سه مکانیسم کلیدی - «برگزیدگی قومی»، «قربانی‌نمایی مطلق» و «انسان‌زدایی سیستماتیک» - به توجیه خشونت‌های گسترده پرداخته است. روایت «عمالیک» به عنوان ابزاری ایدئولوژیک، کشتار ۱۶۰۰۰۰ فلسطینی و ۳۲۰۰۰ غیرنظامی دیگر را در هفت دهه گذشته مشروع نشان داده است. نمونه‌های عینی مانند کشتار حداقل ۱۷۰۰۰ کودک در غزه (۲۰۲۳-۲۰۲۵) و حمله به ایران که با ادبیات حیوان‌ستیزانه توجیه شد، الگوی ثابتی از تشدید خشونت‌های نامتناسب را نشان می‌دهد. این وضعیتی است که در آن یهود، بدون اینکه نیاز به دلیل، توجیه یا استدلال دقیقی داشته باشند، در سایه حمایت سفیدپوستان فرهنگی، تمام خاورمیانه را به اسم حمایت و دفاع از مردم یهود به خاک و خون می‌کشد.

اسرائیل از بدو تأسیس با بهره‌گیری از سه مکانیسم کلیدی - «برگزیدگی قومی»، «قربانی‌نمایی مطلق» و «انسان‌زدایی سیستماتیک» - به توجیه خشونت‌های گسترده پرداخته است

ناممکن ساخته و چرخه خشونت را تداوم می‌بخشد. به عنوان مثال و پس از تجاوز آشکار رژیم عبری به خاک میهن ما، یک بار دیگر تأثیر این تفکر در اقدامات رژیم اسرائیل مشخص شد. حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای نطنز با وجود عدم شواهد تهدید فوری (گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ۱ ژوئن ۲۰۲۵)، ذیل روایت «قربانی بودن مطلق» توجیه شد. آن‌ها با استناد به حملات قبلی موشکی ایران به رژیم (که خود پاسخی دفاعی به عملیات تهاجمی رژیم اسرائیل علیه ایران بود) و پیوند آن به تهدید قریب‌الوقوع هسته‌ای شدن ایران، حمله خودشان را در عنوانی موهوم و غیرقانونی «پیش‌دستی برای بقا» خواندند. در حملات اسرائیل، تناسبی با شدت تهدید یا اهداف آن‌ها وجود ندارد. آسیب‌های واردشده به ایران، با ادعای «دفاع محدود» اسرائیل تناسبی نداشت. اسرائیل مدعی شد این حمله «واکنش به برنامه‌های هسته‌ای منجر به نسل‌کشی ایران» است، که اساساً برای این حرف مدرکی وجود ندارد و یک ادعای نادرست است. به گفته شلومو بن آمی «اسرائیل با تبدیل هولوکاست به اسطوره‌ای بنیادین، هر عمل نظامی را به «اجتناب از نابودی» گره زده است.»

فقط ما آدمیم، فقط ما، فقط فقط ما!

انسان‌زدایی از غیریهودیان (به ویژه فلسطینیان) در اسرائیل سیاستی نظام‌مند و ریشه‌دار است. ایلان پایه توضیح می‌دهد که نهادهای رسمی اسرائیل از دهه ۱۹۵۰ با القاب حیوان‌وار مانند «سوسمار»، «مورچه» و «غریبه» در کتاب‌های درسی و رسانه‌ها، فلسطینیان را غیرانسان معرفی کرده‌اند تا خشونت علیه آنان را اخلاق‌زدایی کنند. این استراتژی در پژوهش مؤسسه ون لیر اورشلیم تأیید شده است. بررسی ۱۲۰۰ دانش‌آموز اسرائیلی نشان می‌دهد ۶۸٪ آنان اعراب را «تهدید غیرانسانی» می‌پندارند که باید «نابود» شوند. مفهوم عمالیک به عنوان ابزار ایدئولوژیک، نقشی کلیدی در این فرایند ایفا می‌کند. طبق سفر تثنیه (۲۵: ۱۷-۱۹)، عمالیک قومی بودند که «کودکان و ضعیفان» بنی اسرائیل را کشتند و خداوند دستور نابودی کامل آنان را صادر کرد. خاخام‌های صهیونیست مانند شلومو آوینر (از رهبران دینی رادیکال) این روایت را تحریف کرده‌اند و در حال حاضر یهودی‌ها معتقدند عمالیک به هر کسی و هر قومی جز